



در دموکراسی آمریکایی تلقی استیلاجویی با رویکرد هژمونیک، اصلی است که از آن به «استکبار» ی‌یاد می‌کنیم. از طرفی پدیده دموکراسی مراجعه به آمار توده‌هاست، به این معنی که عوام و توده‌ها از بین خود کسی را به عنوان حاکم انتخاب می‌کنند. در یک قانون نانوشته، آمریکا همان منتخب توده کشورهاست! لذا این اجازه را دارد که برای همه تصمیم‌گیری کند. اکثر نخبگان و خواص در جهان این مساله را پذیرفته‌اند و عوام نیز به لحاظ مسائل تکنولوژیک فرهنگی، این موضوع را باور دارند. مطالعه اسناد ملی و توجه به ساختار حکومتی ایالات متحده به خوبی نشان می‌دهد نگاه مجموعه حاکمیتی این کشور به مقوله مطرح‌یزی استراتژیک در حوزه روابط نظامی، اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و ایدنولوژیک نه یک نگاه صرفا ملی، بلکه جهانی است. هر چند این اسناد با نام‌هایی نظیر «استراتژی امنیت ملی»، «استراتژی دفاعی ملی» و «استراتژی نظامی آمریکا» نامگذاری شده ولی تدقیق در سرفصل‌های این اسناد نشان می‌دهد برنامه‌ریزی ایالات متحده در این حوزه‌ها، برنامه‌ریزی کشوری است که خود را امپراتور و رهبر جهان تلقی می‌کند و صراحتا به دنبال تقویت

سیدمهر رضی حسینی: از نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ با افزایش روزافزون و بیکاره قیمت نفت از یک سو و ثبات نسبی سیاسی در ایران از سوی دیگر، محمدرضا پهلوی درصدد تقویت قدرت نظامی ایران و خرید گسترده تسلیحات از کشورهای غربی برآمد. علاوه بر علائق شخصی شاه، شرایط منطقه‌ای و نقش جدید ایران به عنوان ژاندارم خلیج‌فارس نیز در قوام و دوام این روند نقش قابل توجهی داشت. در این میان برخی چهره‌ها که اغلب پیشینه نظامی داشتند یا در همان زمان از مقامات ارتش به‌شمار می‌آمدند در تسهیل روابط نظامی ایران با متحد و حامی استراتژیکش-ایالات‌متحده آمریکا- و تجهیز و تسلیح ارتش نقش‌آفرینی کردند. ارتشبد حسن طوفانیان (۱۳۷۷ - ۱۲۹۱) از جمله این افراد بود که رد پایش در بسیاری از تعاملات و معاملات نظامی میان ایران و آمریکا در آن دوران به وضوح دیده می‌شود.

■ **محرم اسرار نظامی شاه**

زندگی حسن طوفانیان از سال ۱۳۳۰ و از زمان حضور وی در ایالات متحده آمریکا و گذراندن دوره افسری رزمی در دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی هوایی آن کشور در پایگاه ماکسول ایالت آلاباما تحولی شگرف یافت. این دوره نقطه عطف حیات نظامی و سیاسی طوفانیان است؛ زیرا سکوی پر تاب او در مسئولیت‌های بعدی را فراهم کرد، آن هم در مقطعی که فراگیری اصول نظامی از نظامیان آمریکایی، تسلط به زبان انگلیسی و برقراری رابطه‌ای نزدیک و دوستانه با آنان موجبات تقرب به در گاه پهلوی بود. طوفانیان سال‌ها عضو ثابت کمیته نظامی پیمان بغداد بود که اعتماد شاه به وی را نشان می‌داد. از ابتدای دهه ۱۳۴۰، طوفانیان یکی از آجودان‌های شاه شد و او را در سفرهای خارجی و داخلی همراهی می‌کرد. همچنین او در این مقطع محرم اسرار نظامی شاه شد. روند ارتقای درجه او تا ارتشبدی پیش رفت. این سیر رو به جلو به گونه‌ای بود که کارشناسان آمریکایی در کتابی سرسی- که وضعیت کلی ایران را تشریح می‌کند- در قسمت مربوط به نیروهای مسلح، نام او را مهردیف شخصیت‌هایی چون اسدالله علم، نعمت‌الله نصیری، غلامعلی اویسی و امیرعباس هویدا آوردند، بنابراین انتخاب او به عنوان نماینده خریدهای نظامی از آمریکا بی‌دلیل نبوده است. در این کتاب به نقش مهم او در خرید تجهیزات نظامی هم اشاره شده و دربارهٔ آن چنین آمده است: «او اطلاعات را در این زمینه یا خودش می‌دهد یا با کمک منابع آمریکایی این کار را می‌کند». در سندی دیگر که حول سازمان دفاعی ایران است، پس از تشریح دستگاه تصمیم‌گیری نظامی ایران و نقش فعالانه شاه به عنوان فرمانده کل قوا، از ۵ نقطه نظامی اصلی یاد شده که پنجمین آنها طوفانیان است؛ فردی که «مسوول خرید تمام تجهیزات نظامی خارجی و تولیدات نظامی داخلی

–فرماندهی در منطقه آمریکای شمالی

–فرماندهی در منطقه آفریقا

–فرماندهی در منطقه اروپا

–فرماندهی مرکزی(Central Command)
در منطقه خاورمیانه مستقر در قطر
–فرماندهی در منطقه پاسیفیک
نکته مهم در این ساختار این است که نگاه ایالات متحده به این مناطق نگاهی مشابه ۵۰ ایالت داخلی آمریکاست. بنابراین در ساختار حکومتی آمریکا، نهاد Department of State [که به غلط وزارت خارجه ترجمه می‌شود] و Secretary Of State [که به غلط وزیر خارجه ترجمه می‌شود] علاوه بر ۵۰ ایالت آمریکا، متولی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سایر نقاط جهان، به عنوان ایالت‌های خارجی آمریکا نیز هستند. همین نسبت برای رئیس‌جمهور و دولت فدرال نیز قابل تعمیم است. بنا بر همین ساختار، نهاد Department of Defense و شخص Secretary Of Defense نیز علاوه بر ۵۰ ایالت آمریکا، متولی امور دفاعی ایالت‌های ششگانه خار ج از آمریکا نیز هستند. به همین دلیل آمریکا همواره یک پای ثابت در هر چالش نظامی بین‌المللی است.

۲- در بعد دیپلماسی، سازمان ملل متحد، بزرگ‌ترین سازمان دیپلماتیک فراملی جهان، به عنوان ایزاری جهت قانونمندسازی و پایدانه‌سازی هژمونی آمریکا و تبدیل اراده آمریکا به عنوان اراده جهانی عمل می‌کند. تعریف سازمان ملل ذیل «ساختار ملی مرکز عملیات نظامی- غیرنظامی آمریکا» در سند «دکترین امنیت نظامی آمریکا» به‌خوبی نقش و مأموریت سازمان ملل متحد را در نگاه سلطه‌جویانهٔ آمریکا نشان می‌دهد. از این رو سازمان ملل به عنوان کاتالیزوری در تحمیل و حفنه اراده آمریکا تحت عنوان قانون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی و هنجارهای جهانی عمل می‌کند. قابل ذکر است قانونمندسازی(Legitimacy) به عنوان یکی از اصول دوازده‌گانه عملیات مشترک نظامی آمریکا

چرا فشارهای تازه آمریکا را باید نشانه فروپاشی هژمونی این کشور دانست؟

تحریم‌های جدید آغاز یک پایان

-
-

شناخته‌می‌شود.

۳- درباره هژمونی ایالات متحده در حوزه اطلاعاتی نیز همین بس که بستر اینترنت و فضای سایبر توسط آژانس امنیت ملی (National Security Agency) که از زیرمجموعه‌های پنتاگون است گسترش یافته و کنترل می‌شود. این آژانس از اعضای کلیدی جامعه اطلاعاتی آمریکاست و یکی از محرمانه‌ترین سازمان‌های جاسوسی در جهان به شمار می‌رود که مأموریت اصلی‌اش در خارج از آمریکاست. ۴- در حوزه اقتصادی، هژمونی ایالات متحده بعد از جنگ دوم جهانی و کنفرانس «برتون وودز» که دلار به عنوان مبنای ارزی جهان و پشتوانه سایر پول‌ها در نظر گرفته شد، تثبیت شد. در طول ۷۰ سال گذشته دلار به عنوان اصلی‌ترین منبع قدرت آمریکا و در واقع به عنوان تقویت‌کننده سایر حوزه‌های قدرت ایالات متحده مطرح بوده است. بنابراین آمریکا با تالسیس نهادهای اقتصادی بین‌المللی مثل سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی موجب افزایش عرضه و تقاضای دلار شده است. حتی اعمال استراتژی‌های سیاسی- اقتصادی در مقاطع مختلف زمانی همچون تشویق اعراب به تحریم نفت که در جنگ اعراب و اسرائیل باعث افزایش چندبرابری قیمت نفت شد، موجبات بهبود چرخه و تقویت ارزش دلار را فراهم آورد.است. در طول چند دهه گذشته نیز هر کشوری که با اقدامات خود، جایگاه دلار را با خطر مواجه کرده است، با شدیدترین نوع عکس‌العمل آمریکا نظیر حمله نظامی یا «جنگ ارزی» مواجه شده است. آخرین نمونه‌های آن حمله نظامی آمریکا علیه لیبی(و البته عراق) به دلیل اصرار مقامات این کشور به استفاده از یورو با طلا در مبادلات نفتی و جنگ ارزی شدید علیه چین است که موجب تحمیل شدیدترین ضربه اقتصادی ۳۰ سال اخیر از زمان دنگ ژیاوپینگ و اجرای سیاست در‌های باز به این کشور شد.
به طوری که رشد اقتصادی چین که در سال‌های گذشته همواره بالای ۱۰ درصد بوده است، سال گذشته به حدود ۶ درصد رسید.

با وقوع انقلاب اسلامی و با فضل الهی، پایان هژمونی ایالات متحده آغاز شده است. ایران به دلیل نپذیرفتن این هژمونی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، نظامی، سیاسی و بعضا اقتصادی، از ابتدای انقلاب و بویژه در دهه گذشته (به دلیل افزایش نفوذ خود در منطقه و صدور انقلاب) با مواجهه و مقابله آمریکا مواجه شده است. این نفوذ به حدی بوده است که حتی سایت دیدیعت آحرانوت رژیم صهیونیستی، ۲۴ خرداد امسال نوشت: «ایران در حال محکم کردن جای پای خود در مرز اسرائیل است و نخستین فاز از طرح الحاق کشورهای خاورمیانه و ایجاد هژمونی در نزدیکی مرز اسرائیل را کامل کرده است.» بدون شک این پیروزی‌ها به مدد مجاهدت‌های بی‌دریغ زاهدان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی میسر شده است. بنابراین علاوه بر تقابل نرم ایدنولوژیک انقلاب اسلامی با نظام لیبرالیسم، در حوزه جنگ سخت نیز آمریکا در منطقه زمینگیر شده است. بنابراین چاره‌ای جز تحریم‌های بیشتر و اعمال فشارهای بیشتر علیه ایران و بویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ندارد. در نتیجه توجه مسوولان نظام به ۲ موضوع حیاتی

است:

۱- توجه به جایگاه هژمونیک آمریکا و پرهیز از نگاه ساده‌لوحانه و خوش‌بینانه به این کشور در روابط دیپلماتیک

۲- توجه به این موضوع که مواجهه آمریکا با انقلاب اسلامی، مواجهه لیبرالیسمم و اسلام و تقابلی نه استراتژیک بلکه ایدنولوژیک است. بنابراین تقلیل فضای ایدنولوژیک به فضای معامله و بده‌بستان و چشم‌پوشی از مبانی «هویت ملی» در ازای «منافع ملی» به فرموده مقام معظم رهبری، خطای بزرگی است. حتی اندیشکده‌های آمریکایی نیز قدرت بلندمدت ایران را پذیرفته‌اند؛ نشان به آن نشان که «استون» در اندیشکده رنده، ایران را در کنار ترکیه و مکزیک، در افق ۲۰۳۵ تا ۲۰۵۰ جزو قدرت‌های دنیا پیش‌بینی کرده است. ما نیز خود را باور کنیم.

دهد. او از مقاومت خود برابر تصمیمات شاه و برخی واسطه‌های آمریکایی سخن گفته و در جایی دیگر با انکار نقش هلمز، سفیر آمریکا در خریدهای نظامی، در رابطه با کریمت روزولت در خرید اسلحه، از موضع منفی این رئیس‌جمهور آمریکا نسبت به خودش یاد کرده و گفته در نبودش، روزولت به وی حمله کرده و عملکرد او را نقد کرده است. اظهارات طوفانیان از سوسوی تاییدکننده نقش برجسته و محوری شاه در خریدهای نظامی است و از سویی هم بر نقش لای‌ها و واسطه‌های خریدهای نظامی از آمریکا صحه می‌گذارد، چنانکه در آن مقطع هر شرکت فروشنده تسلیحاتی برای خود واسطه‌های متنفذی در تهران پیدا کرده بود. هرج و مرج به اندازه‌ای بود که طوفانیان به عنوان مسؤول سفارش‌ها و خرید سلاح و تجهیزات، نسبت به روش کار اعتراض می‌کرد. صورت حساب‌ها با بهای سفارش‌ها مطابقت نداشت، کمیسیون‌های کلانی به واسطه‌ها پرداخت می‌شد، حتی بابت خریدهای مستقیم و بدون واسطه دولت ایران از دولت ایالات متحده، حق کمیسیون لحاظ می‌شد. برای همین طوفانیان از هوپمن درخواست کرده بود پنتاگون بر عملیات شرکت‌های فروش اسلحه و تجهیزات بیشتر کنترل کند. اما فردوست در این باره گفته است: فروشندگان سلاح به طوفانیان حق حساب می‌دادند این از اصول متداول جهانی در معاملات تسلیحاتی است. در معاملات بزرگ تا ۲ درصد و در ارقام کوچک تا ۵ درصد پرداخت می‌شود اما طوفانیان می‌کوشید حساسیت شاه را در این باره برنیتگیزد و ارقام قبیق پورساتات را به او می‌گفت. شاه هم مقداری را به او پرداخت می‌کرد و در مورد بقیه مبلغ دستور می‌داد به کدام اشخاص و چه مبلغی پرداخت شود.

■ **فرجام‌سخن**

حسن طوفانیان با بهره‌گیری از روابط غیررسمی بین نظامیان آمریکایی و صاحبان مجتمع‌های تسلیحاتی و با ابتدا به مهارت‌های شخصی و شم تجاری خود، توانست برای خریدهای گسترده و پرهزینه نظامی از آمریکا، نظر شاه را به خویش جلب کند. البته با توجه به ویژگی‌های شخصی شاه و ساختار بسته نظام سیاسی، دایره مانور طوفانیان هم محدود بود و بیه دوری و نزدیکی موقعیتش از محمدرضا پهلوی بستگی داشت. در چنین فضایی، او توانست مسیر قربان به شاه را طی کند و به عنوان واسطه‌ای فعال در روابط نظامی ایران و ایالات متحده آمریکا عمل کند؛ ضمن اینکه در بزنگاه‌های حساس به عنوان مشاور شاه نیز امور را رتق و فتق می‌کرد. اما تکیه بیش از اندازه به این ساختار شکننده و وابستگی به منویات بلندپروازانه شاه، فرجام خوشی برای او و سامانه نظامی ایران نداشت و در نهایت طوفانیان شاهد بنسته شدن طومار زرادخانه‌های

منبع: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

چهارشنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۶



■ **حاج مرتضی**

شب عملیات بود. همه برای حرکت به سوی دشمن آماده می‌شدند. می‌گفتند منتظرند «حاج مرتضی» دستور حمله را بدهد. قبلا هم وصفش را زیاد شنیده بودم. خیلی دلَم می‌خواست از نزدیک ببینمش، او را که همه جا صحبتش بود. یکمرتبه شنیدم در چند مترِام کسی صدایش می‌زند؛ فرمانده لشکر. من که در حالی خودم از او گولی ساخته بودم، فکر می‌کردم حالا باید چه دبدبه و کبکبه‌ای داشته باشد و چقدر آدم مثلا از چپ و راستش راه بروند. او را که نشانم داندند دهانم از تعجب وا ماند. «حاج مرتضی، حاج مرتضی» که می‌گویند این است!ا-مردی که لباس خاکی رنگ و رو رفته‌ای به تن داشت، چکمه‌ای تا زبر زانو به پا و بیلی مثل باغبان‌ها بر دوش. سر و وضعی کاملا آشفته. الله اکبر. ایمانم به حقانیت این انقلاب دو چندان شد.

■ **مثل مجسمه**

بهمن ماه سال ۶۵ در «محور قره قرانی میوان»، «قله قوجه یک» بودیم. رویه‌روی ما نیروهای دشمن و منافقین از جمله گروهک «زرگاری» قرار داشتند. ساعت ده شب بود. بی‌سیمچی آنها فرکانس بی‌سیم قله ما را گرفت و همین امر باعث شد آماده‌باش بدهند. حدود سه ساعت در آن برف و بوران داخل سنگر بودیم. همه بدنمان را غیر از چشم‌ها پوشانده بودیم. دو متر برف روی زمین بود. وقتی آماده‌باش لغو شد یکی از بچه‌ها از محل پست سبه ساعت در آن برف و بوران داخل سنگر بودیم. همه بدنمان را غیر از چشم‌ها پوشانده بودیم. دو متر برف روی زمین بود. وقتی آماده‌باش لغو شد یکی از بچه‌ها از محل پست سبه ساعت در آن برف و بوران داخل سنگر بودیم. همه بدنمان را غیر از چشم‌ها پوشانده بودیم. دو متر برف روی زمین بود. وقتی آماده‌باش لغو شد یکی از بچه‌ها از محل پست سبه ساعت در آن برف و بوران داخل سنگر بودیم. همه بدنمان را غیر از چشم‌ها پوشانده بودیم. دو متر برف روی زمین بود. وقتی آماده‌باش لغو شد یکی از بچه‌ها از محل پست

■ **مستجاب الدعوه**

در عملیات کربلای پنح (۱۳۱۰/۱۹-۶۵) شلمچه و شرق بصره) با یکی از دوستان داخل کلال بودیم. همان طور نشسته، روی کاغذ با خودکار نوشت: «خدايا شهادت را نصيب ما بگردان. داشت داخل اين عبارات را بر مي کرد که ترکش آمد و سرش را برد. قلم همچنان محکم در دستش بود که من بوسیدم و جدایش کردم (این را یکی از برادران که این صحنه سخت تکانش داده بود، می‌گفت).

■ **ترجیح دوست**

«جزیره مجنون»، در «گردان ۱۶۵» از تپ ۱ یک «لشکر ۹۲ زرهی اهواز» بودیم. گردان ما در «بد شرقی» مستقر بود. من پزشکیار گردان در ارکان بودم. عراق در یک حمله تعدادی از سنگرهای ما را تصرف کرد و تمام بچه‌هایی که را که در آن مشغول استراحت بودند به شهادت رساند. برای پس گرفتن سنگرها وارد عمل شدیم. «تپ الفع الغیر یزند» یک گردان از دانشجویان را به خط آورده بود. همه چیز به‌خوبی پیش رفت. برای حمل مجروحان در آمبولانس نشسته بودیم که یک بسیجی سراسیمه آمد و گفت یکی از دوستانم مجروح شده. با راننده راه افتادیم به سمت «چهار راه اسام» (چهار راه مرگ) تار یک بود و زخمی را نمی‌دیدیم. داد زدیم: کی مجروح است؟ شنیدم یک نفر می‌گوید: با حسین (ع). به صدا رفتم و او را بعد از بانسمان اولیه از کنار تپه برداشتم و آمدمیم عقب.

در بین راه متوجه شدیم برادری که آمده بود برسان ما که به داد دوستش برسیم خودش از ناحیه گردن سخت آسیب دیده است و کلی خون از او رفته. اگر نفهمیده بودیم شاید بعدا هیچ کاری نمی‌شد برایش انجام داد. پرسیدم: مرد مؤمن چرا نگفتی خودت هم مجروحی که لاقل روی زخم‌ت را ببندیم خون کمتر بیاید. گفت: حقیقتش فکر کردم ممکن است دیر بشود و نتوانید بموقع به دوستم کمک کنید.

■ **تعاون هم می تواند اسیر بگیرد**

در جبهه «فلو» بودیم. برای جمع و جور کردن ششپدا و پیگیری مقفودین با مانسین رفتمیم خط مقدم. نزدیکی‌های خط به چند سنگر فتح شده عراقی برخوردیم. گفتیم برویم ببینیم چه خبر است. در یک سنگر با انبوهی از نیروهای دشمن مواجه شدیم. ۲۷ سرباز و درجه‌دار! ما هم دست خالی. اسلحه بدون خشکی که در جلو سنگر افتاده بود برداشتم و با یک نهیب آنها را انداختم جلو و آوردیم تحویل دوستان دادیم. برای همه جالب بود. می‌گفتند: معلوم شد تعاون هم می‌تواند اسیر بگیرد؛ آن هم بدون اسلحه!

■ **این رسمش نمی‌شود**

در منطقه بودم. یک روز نماز ظهر و عصر را فراموش کردم بخوانم. همان شب نماز مغرب و عشا هم قضا شد. خودم خیلی ناراحت بودم. شب شهید «محمد شنی‌پور» را به خواب دیدم. به من گفت: «شبروانی» اگر می‌خواهی شهید بشوی این رسمش نمی‌شود. باید واجبات را بموقع انجام بدهی.

منبع: دائرة المعارف «فرهنگ جبهه»